



۱۰ آگست سال ۲۰۱۹

طارق "ارسلانی"

## جنگ میوند: علل و پیامد های آن

"بخش سوم"

### لشکر کشی انگلیس به افغانستان:

با به سر رسیدن ضرب العجل موعود، عملیات نظامی "اهانت به ملکه" آغاز و قطعات نظامی قوای انگلیس شروع به سوقیات بطرف سرحدات افغانستان نمودند. دسته اول قوای انگلیس Peshawar Valley Field Force مرکب از ۳۲۵ افسر و ۱۵۸۵۴ افراد و ۴۸ توپ به قومندانی دیگر جنرال "سموئل برون" Samuel Brown صبح وقت ۲۱ نوامبر از پشاور حرکت و از طریق دره خیبر به قرارگاه افغانی در علی مسجد رسید. مدافعین افغانی در علی مسجد مرکب از ۳۸۰۰ نفر و ۲۱ (و یا هم ۲۴) توپ بود که قومندانی قوا را "فیض محمد خان" و قومندانی توپچی را "جان محمد خان وردک" (از رهبران جنگ دوم افغان و انگلیس) به عهده داشتند. قوای افغانی در موقعیت ستراتیژیک بهتر قرار داشت و قوای توپچی در ارتفاعات مشرف به دره خیبر تعبیه گردیده بود. بساعت ده صبح اولین تبادلۀ آتش با قوای سواره ترصد افغان صورت گرفت. متعاقباً قوای توپچی دوطرف شروع به آتشباری نمودند. قوای توپچی افغانی بشدت مواضع انگلیسها را کوبیدن گرفت و بعد از دو ساعت جنگ قوای انگلیس را مجبور به عقب نشینی نمود. جنرال "سموئل برون" توسط "هیلوگراف" تقاضای کمک از قوای ذخیره انگلیس (که در جمرود موقعیت داشت) نمود. حوالی عصر توپ گول پیکرچهل پاونده به مدد قوای انگلیس رسید. قوای انگلیس دو فیر توپ چهل پاونده بطرف قرارگاه علی مسجد نمود. غرش سهمگین توپ چهل پاونده فضای دره خیبر را فراگرفت و معنویات قوای افغانی را تحت تأثیر قرار داد. با فرا رسیدن تاریکی شب قوای انگلیس بطرف مدخل دره خیبر عقب نشینی نموده و کمپ خود را بر پا نمودند. قوای انگلیس برای جنگ سخت روز بعدی آمادگی میگرفتند ولی صبح وقت روز بعد با کمال تعجب دیدند که قوای افغانی شب قبل مواضع خود را رها نموده و متباقی بسرعت بطرف دکه در حال عقب نشینی هستند. به این ترتیب قوای جنرال "برون" بعد از تصرف علی مسجد با مشقات زیاد و حملات پی در پی قبایل مهمند و شینوار که از اثر آن ۶۵۰۰۰ شتر و افراد زیادی را در طول راه از دست داد، بطرف دکه و جلال آباد پیشروی نمود (۱).

لشکر دوم انگلیس تحت قومانده تورن جنرال "فریدریک رابرتس" Fredrick Roberts (کوچکترین هر سه قوا) مشتمل بر ۱۱۶ افسر، ۶۵۰۰ افراد، و ۱۸ توپ از طریق "دره گرم" بصوب قرارگاه افغانی در "کوتل پیوار" (شتر گردن) حرکت نمود و در ۲۸ نوامبر با قوای افغانی مواجه گردید. قوای افغان در کوتل پیوار تحت

قوماندۀ "کریم خان" مشتمل بر ۱۸۰۰ افراد و ۱۲ توپ بود که در ارتفاعات صعب العبور "کوئل پیوار" موضع گرفته بودند. قوای تقویتی افغان نیز در حال رسیدن به کوئل پیوار بود بترتیبی که قوای توپچی کوهی به علی خیل رسیده بود، قوای پیاده در حالت آماده باش در کوئل شترگردن آماده حرکت بود، و قوای توپچی اسپ و سواره نظام از عقب در حال حرکت بود (۲). تعداد مجموعی این قوه ها در کتاب Maiwand. بر علاوه عساکر منظم، تعداد زیاد اقوام منگل، وزیر، و مسید نیز دوشادوش قوای افغانی می‌جنگیدند (۳). در آغاز جنگ آثار شکست در قوای "رابرتس" پدیدار گردید. متأسفانه قوای افغانی نظم خود را حفظ نتوانست و قوای توپچی افغانی از هرجانب به آتشباری بی حاصل شروع نمود. در نتیجه قوای انگلیس توانست تا مواضع قوای افغانی را تشخیص نموده و تحت آتش دقیق توپخانه قرار دهد. تا شامگاهان قوای انگلیس توانست تا در تحت حمایت آتش قوی توپخانه ارتفاعات مشرف به قرارگاه قوای افغانی را تصرف نماید. جنرال "رابرتس" قسمتی از قوای خود را در نیمه شب حرکت داد تا "کوئل پیوار" را به شکل نیم دایره دور بزند. پلان حمله به شکلی بود که ساعت هفت صبح حمله از عقب بالای کوئل پیوار آغاز گردید و با شدت گرفتن جنگ خود جنرال "رابرتس" با متباقی قوا از جلو حمله نمود. جنگ تن به تن میان مدافعین افغانی و قوای انگلیس در گرفت و سرانجام قوای انگلیس توانست با تحمیل تلفات شدید (و تلفات بمراتب بیشتر قوای افغانی) کوئل پیوار را تصرف نماید. جنرال "رابرتس" بعداً بطرف خوست حرکت نمود و در راه خوست قوای انگلیس با مقاومت شدید اقوام منگل و غلجی مواجه گردید. جنرال "رابرتس" که شخص متعصب و پرعقده بود (۴)، قلعه های مسیر راه را منهدم نمود و هر کسی را که به چنگ اش افتاد جای بجای تیرباران نمود. (۵)

قوای سوم تحت قوماندۀ دیگر جنرال "دونالد مارتین سٹیوارت" Gen. Donald Martin Stewart بتاريخ ۲۱ نوامبر از طریق "دره بولان" و کویته بصوب قندهار حرکت نمود. این قوا که مرکب از ۲۶۵ افسر و ۱۲۶۰۰ افراد و ۷۸ توپ بود پس از طی طریق خیلی مشقت بار از کوئل ها و دشتهای بی آب و علف که در نتیجه ۱۲۰۰۰ شتر از سبب سرما و طوفان تلف گردید، پس از برخورد مختصر با قوای افغانی در منطقه "غلو کوئل" (در پنجاه مایلی قندهار) بتاريخ ۸ جنوری ۱۸۷۹ داخل شهر قندهار شد در حالی که قوای افغانی قبلاً شهر را تخلیه نموده بود. مجموع هر سه قوای انگلیس ۷۰۰ افسر، ۳۵۰۰۰ افراد، و ۱۴۰ توپ بود.

بعضی مؤرخین افغان به این نظر هستند که امیر شیر علی خان خود به قوای سرحدی افغان امر عقب نشینی را داد (۶) تا با تجاوز انگلیس موجبات تحریک روسها فراهم و به اینترتیب مجبور به حمایت از امیر شوند. اما "داکتر بشیر احمد ذکریا" مینویسد که: "غلام حیدر خان چرخي که جهت تقویة قوای علی مسجد فرستاده شده بود، بدون مقاومت زیاد به کابل فرار نمود. امیر شیر علی خان با اطلاع این خبر حکم اعدام غلام حیدر خان چرخي را صادر نمود. موصوف به وساطت "سردار ذکریا خان" عفو و دوباره به جبهه جنگ فرستاده شد" (۷). گذشته از آن چنانچه قبلاً ذکر گردید، قوای تقویتی جهت کمک به قوای سرحدی افغان در "کوئل پیوار" نیز فرستاده شده بود. "میرزا یعقوب علی خافی" در کتاب "پادشاهان متأخر افغانستان" دلسردی امیر از عدم استقامت قوای افغان را دلیل رفتن امیر بسوی بلخ و تقاضای کمک از روسها میداند (۸). عبدالرحمن خان در تاج التوراریخ ذکر میکند: "عساکر شیر علی خان چون مشق ندیده بود، به مقابله لشکر انگلیس نتوانستند ایستادگی نمایند (۹)". احتمال دارد که با شکست قوای افغانی در "علی مسجد" و "کوئل پیوار"، امیر شیر علی خان به حاکمان قندهار حکم

نموده باشد تا در صورت پیشروی قوای انگلیس بطرف هرات و کابل عقب نشینی کنند؛ ولی از مقاومت و فداکاری مدافعین افغانی در "علی مسجد" و "کوئل پیوار" نباید چشم پوشی شود. یک نکته قابل ذکر اینکه شخص امیر شیرعلی خان از نظر روانی شدیداً آسیب پذیر بود و با مواجهه با مصائب دچار حالات شدید افسردگی Depression میگردید و از بخت بد هر دو بار تاج و تخت را به سبب افسردگی شدیدی که به آن مبتلا گردیده بود از دست داد: بار اول به سبب کشته شدن کلانترین فرزند و ولیعهد احتمالی خود (سردار محمد علی خان) سلطنت را به امیر محمد افضل خان از دست داد و بار دوم به سبب مرگ جوانترین فرزند و ولیعهد خود (عبدالله جان)؛ متأسفانه حالت افسردگی تا دم مرگ گریبان امیر را رها نکرد.

به هر صورت، با سقوط "علی مسجد" و "کوئل پیوار" امیر شیرعلی خان بتاريخ ۱۰ دسامبر دربار را دائر و اعلان نمود: "من به بلخ و از آنجا به "سنت پیترزبرگ" میروم تا قضیه تجاوز انگلیس را در یک کانفرانس بین المللی طرح و حق افغانستان را اعاده نمایم." اصرار درباریان و نماینده های کابل بر مقابله با متجاوزین سودی نبخشید و بنا بر تقاضای مردم امیر "شیر بچه" ("بچه شیر" مراد از یعقوب خان) را بعد از هفت (یا هشت) سال از حبس رها و به حیث والی کابل تعیین نمود (۱۰). تقدیر الهی کار خود را کرد و آن فرزندی را که امیر از حق ولیعهدی محروم و به زندان افکنده بود ناچار برمسند قدرت نشانند. امیر بتاريخ ۱۳ دسامبر با عجله با حرم، اهل بیت، و عده مامورین و درباریان به سمت بلخ رفت و ملت را در دفاع از کشور و مقابله با متجاوزین تنها رها کرد. امیر از بلخ هیأتی را جهت تقاضای کمک از روسها به تاشکند فرستاد؛ ولی "جنرال کافمن" هر نوع کمک به امیر را رد نموده و برعکس از امیر خواست تا با انگلیسها از در مصالحه پیش برود. حالت افسردگی شدیدی برای امیر دست داد و مرض نفرض که امیر به آن مبتلا بود وخامت گرفت و بالاخره امیر به تاریخ ۲۱ فبروری ۱۸۷۹ به سن ۵۶ (بقول میر محمد صدیق فرهنگ ۵۸) سالگی در حسرت و نومیدی چشم از جهان پوشید. با مرگ امیر شیرعلی خان، سردار محمد یعقوب خان اعلان امارت نمود و از امارت خود به انگلیسها نیز اطلاع داد.

۱- ۹۲ p *Maiwand by Edmond York*, جنرال "برون" به علت همین ضایعات شدیداً مورد مؤاخذه قرار گرفت و علتی که در دور بعدی عملیات جنگ دوم افغان و انگلیس اشتراک نداشت نیز همین بود

۲- ۸۶ p *The Road to Kabul*, کتاب *Maiwand* تعداد قوای افغانی در کوئل پیوار را هفت فرقه منظم (جمعاً هفت هزار افراد) و ۱۷ توپ ذکر نموده است.

۳- ۳۶۰-۳۵۵ p *Forty One Years In India by Gen. Roberts*;

۴- جنرال "فردریک رابرتس" به علت سرکوبی قیام افسران هندی قوای هند بریتانوی (۱۸۵۷) به شهرت رسید. موصوف معتقد به نظریه "برتری نژاد سفید انگلیس" بود (لارڈ لیتن نیز عین عقیده را داشت). همین نظریه باعث افزایش تناسب افسران انگلیسی نژاد در قوای هند بریتانوی گردید. پدر جنرال "فردریک رابرتس"، جنرال "ابراهم رابرتس" *Abraham Roberts* نام داشت که در جنگ اول افغان و انگلیس اشتراک نموده بود.

۵- کشتار، تخریب، ظلم، و وحشت جنرال "رابرتس" در کتاب *What The Fusiliers Did* بصورت شرح درج است

۶- سراج التواریخ، ص ۳۴۲ و مرحومین غبار و سید قاسم رشتیا.

Malalai, Joan of Arc of Afghanistan; p ۱۳۷-۷

۸- میرزا یعقوب علی خافی: پادشاهان متأخر افغانستان.

۹- تاج التواریخ، ص ۱۶۳.

۱۰- غبار: افغانستان در مسیر تاریخ، ص ۶۰۷

ادامه دارد

